

## عزاداری و سکولاریسم مهاجم

دو روز پیش، همزمان با فراسیدن روز عاشورا، تحت عنوان «عاشورا و مدارا» در «بنیاد سهروردی» سخن گفتم. پیش از شروع سخنانم، دوستی فیلم‌هایی از مراسم عزاداری و سینه زنی هموطنان گرامی در شهر تورنتو را به من نشان داد، از دیدن برخی صحنه‌ها عمیقاً متاثر شدم و بر اوضاع بهم‌ریخته و آشفته فرهنگی خود تأسف خوردم...

سه سال است در شهر تورنتو، به سبب حضور روزافزون جمعیت ایرانی، همزمان با فراسیدن دهه اول محرم، افزون بر برگزاری مجالس سخنرانی و عزاداری در چندین مسجد و محفل، ظهر عاشورا دسته عزاداری راه می‌افتد و به مدت دو ساعت، به نحو معقول و متعارفی سوگواری می‌کند.

از سوی دیگر، برخی از هموطنان که سال‌هاست خارج از کشور زندگی می‌کنند و دل خونی از جمهوری اسلامی دارند، در همان ساعت و همان مکان، لباس قرمز به تن می‌کنند و به نشانه اعتراض، به رقص و پایکوبی و بد و بیراه گفتن به جمهوری اسلامی می‌پردازند؛ به نحوی که اگر پلیس نظارت و مداخله نکند، به احتمال قوی درگیری فیزیکی میان طرفین رخ خواهد داد....

نمی‌دانم در سر این جماعت ۴۰-۵۰ نفری چه می‌گذرد؟؟ دانستن اینکه عزاداری برای امام حسین، ساخته و پرداخته جمهوری اسلامی نیست و چندین سده است که ایرانیان این مراسم سوگواری را برپا داشته‌اند، هوش زیادی نمی‌خواهد. پیش از انقلاب بهمن ۵۷ نیز کثیری از ایرانیان در این نوع مراسم شرکت می‌کردند؛ امروزه هم محافل سوگواری متعددی در داخل و خارج کشور برگزار می‌شود که نسبتی با جمهوری اسلامی و سیاست‌های رسمی آن ندارد. چه بسا، تعداد قابل توجهی از جمعیت ۲۰۰۰ نفری که در عزاداری روز یکشنبه شرکت کردند، با آنچه در داخل کشور می‌گذرد، همدلی نداشته باشند و منتقد نحوه رفتار مسئولان قوه قضائیه با روزنامه نگاران و فعالان سیاسی در داخل کشور باشند و فی‌المثل بر آنچه بر علیرضا رجایی نازنین رفته، گریسته باشند. تفکیک میان شهروندان معتقد به سوگواری برای حسین بن علی و باورمندان به «نظام جمهوری اسلامی»، کار سختی نیست، اصلاً و ابداً تلازمی میان این دو برقرار نیست. ظاهراً درک این مطلب روشن، برای برخی از هموطنانی که سالهاست ایران نبوده‌اند، سخت است، یا در این باب تجاهل می‌کنند و صرفاً در پی یافتن مجال و محملی برای اعتراض‌اند، به هر بهانه و قیمتی...

طنز روزگار است که این جماعت سال‌هاست در کشوری چند فرهنگی (multi-cultural) زندگی می‌کنند، در عین حال چندان از مداراوری و احترام گذاشتن به عقاید دیگران، دیگرانی که حق دارند مثل آنها نیندیشند و سبک زندگی متفاوتی اختیار کنند، بویی نبرده‌اند. همانطور که مسیحیان معتقد، در سوگ عیسی، در مراسم روز Easter در تورنتو و دیگر شهرها و ممالک آمریکای شمالی و اروپایی

عزاداری می کنند؛ همانگونه که بودائیان و یهودیان و هندوها و خداناباوران «حق» دارند مطابق با نحوه زیست مختار خود زندگی کنند و ایامی شاد باشند و روزهایی سوگوار؛ مسلمانان هم حق دارند در جامعه‌ای متکثر و چند فرهنگی، چنین کنند و از مواهب ساز و کار دموکراتیک، بدون آزار و اذیت رساندن به دیگران، نظیر سایر شهروندان کانادایی بهره‌مند شوند.

در ماه جولای گذشته، دو شب درباره «پسا - سکولاریسم» و «پسا - اسلام گرایی» در دانشگاه «مک گیل» در جمع هموطنان عزیز سخن گفتم. «پسا - سکولاریسم»، متضمن عبور از «سکولاریسم مهاجم» و ستیزه گر است، روایتی از سکولاریسم که دین ستیز است و بر سر شاخه نشسته و بن می‌برد و میراث گرانقدر «عصر روشنگری» را فرو می‌نهد و حقوق بنیادین همه انسانها را به رسمیت نمی‌شناسد؛ حقوق بنیادینی که فارغ از جنسیت، دین، نژاد... به آدمیان گوشت و پوست و خون دار تعلق می‌گیرد. به نزد متفکرانی چون چارلز تیلور، طلال اسد، یورگن هابرماس و کارن آرمسترانگ، تشت «سکولاریسم مهاجم» در روزگار کنونی از بام بر افتاده و ناموجه بودن و ناکارآمدی اش آشکار گشته است.

اسباب تأسف است که برخی از هموطنان ما، همچنان بر طبل سکولاریسم مهاجم و دین ستیزی می‌کوبند و بر رفتار غیر اخلاقی، غیر دموکراتیک و دل آزار خود اصرار می‌ورزند.